

ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج در بین جوانان شهر تهران

احمد غیاثوند^۱
علی جنادله^۲
سید مهدی اصغری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

نهاد خانواده، سنگ بنای اصلی یک جامعه محسوب می شود و تصمیم به ازدواج، یکی از سرنوشت سازترین تصمیماتی است که انسان در جریان زندگی با آن رو به رو می گردد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج است و اینکه دختران و پسران عقد کرده شهر تهران چگونه تصمیم به ازدواج می گیرند، شرایط علی، زمینه ای و ساختاری موثر بر تصمیم گیری آنها چیست، چه راهبرد هایی را در تصمیم به ازدواج به کار می برند و این تصمیم چه پیامدهایی به همراه دارد. این تحقیق از نوع کیفی و با روش داده-مبنا با رویکرد اشتراوس و کوربین صورت گرفته و جامعه آماری آن زنان و مردان عقد کرده ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۹ می باشد که به صورت هدفمند انتخاب شدند و نحوه گردآوری داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساخت یافته بود. یافته ها حاکی از آن است که تجربه عاشقانه و تصمیم به ازدواج صرفاً امری فردی نیست، بلکه تابع امری اجتماعی است و با مجراهای اجتماعی گوناگونی رو به رو هستیم. «چالش سیاست تقابل در میدان بازی نمایش» به مثابه پدیده مرکزی انتخاب شده است، زیرا در آن میدان، ساخت ها کنشگری افراد را با چالش مواجه می کند و بر تصمیمات اثر می گذارد- البته کنشگران به مثابه عروسک های خیمه شب بازی در

نظر گرفته نمی شوند. دختران نسبت به پسران با محدودیت های بیشتری در میدان بازی نمایش مواجه شده اند؛ اگرچه به نسبت گذشته از قدرت انتخاب بیشتری برخوردار گردیده اند، اما این عاملیت بدون هزینه نبوده و برای دختران و پسران با پیامدهایی همراه شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، ساخت اجتماعی واقعیت، تصمیم به ازدواج، چالش سیاست بازی نمایش و دو سویه بزرگ

مقدمه

نهاد خانواده به رغم تمامی تحولات و اشکال گوناگون آن، هنوز در بسیاری از جوامع از جمله ایران از اهمیت زیادی برخوردار می باشد و به عنوان واحد نخستین، دارای کارکردهای منحصر به فردی در طول تاریخ جوامع مختلف بوده است. بر اساس دیدگاه برگر^۱ (۱۹۶۳) جامعه، صحنه نمایشی است که برای بازیگران، نمایش نامه هایی متناسب با نقش های گوناگون آماده ساخته و ما در بستر خانواده از طریق آداب و رسوم و قوانین با بایدها و نبایدهای اجرای بازی آشنا می شویم. اما از سویی ما به مثابه بازیگران منفعلی در نظر گرفته نمی شویم، زیرا از قدرت اختیار عمل و تصمیم برخوردار خواهیم بود. از این رو، تصمیم به ازدواج یکی از مهم ترین عرصه های کنشگری است که در شکل گیری آن به لحاظ ساختاری، آداب و مراسم گوناگونی متناسب با ارزش ها و هنجارهای جامعه برپا می شود. بنابراین ازدواج صرفاً یک رابطه صمیمانه و متعهدانه شخصی نیست، بلکه در چارچوب نهادی خانواده، نقش ها و مسئولیت های خانوادگی در بین زنان مردان وجود دارد که انتظارات اجتماعی را از زوجین شکل می دهد- گرچه در طول تاریخ از تحولات جامعه و نظام جهانی تاثیر می پذیرد و بر آن تاثیر می گذارد. به همین دلیل برگر و لوکمان^۲ معتقدند که واقعیت ساخته و پرداخته جامعه است؛ به این معنا که انسان ها جهان اجتماعی را ایجاد می کنند و سپس به مثابه واقعیت برای آنان در نظر گرفته می شود (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷). در نظریات ساخت گرای^۳ اجتماعی بیان می شود که «خود»^۴ در بافت اجتماعی قرار می گیرد و قواعد اجتماعی بر اینکه افراد چگونه خودشان و دیگران را در نظر بگیرند، تاثیر می گذارد (بیجانیان، ۲۰۱۵: ۲۱).

در برخی از مطالعات یافته ها نشان می دهد که ۶۶/۷ درصد پاسخگویان ازدواج کردن را در زندگی ضروری می دانند، در حالی که به باور ۱۴/۱ درصد افراد ازدواج کردن امری ضروری نیست. ۵۳/۴ درصد جوانان اظهار داشته اند که نظر پدر و مادرشان در انتخاب همسر اهمیت دارد و در مقابل ۳۸ درصد نیز بیان کرده اند که صرفاً نظر خودشان در مورد انتخاب همسر اهمیت دارد (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴) افراد در ازدواج به معیارهایی چون: مهربانی و خونگرمی، شوخ طبعی، بلند همتی، سلامت جسمانی و روانی، گرایشات دینی و وضعیت اقتصادی توجه می کنند (بلنکینشپ، ۲۰۰۸: ۳۷). نتایج پژوهشی پیرامون دختران و زنان شهر تهران نیز نشان داد که در بین دختران مجرد مورد مطالعه حدود ۶۰ درصد اعلام کرده اند که خانواده و اطرافیان انتظار دارند که به موقع ازدواج کنند؛ در مقابل ۱۵ درصد هیچ الزام یا فشاری را از سوی خانواده احساس نمی کنند. همچنین دختران مجرد در پاسخ به گرایش شان به ازدواج و تشکیل خانواده، ۳۳ درصد در معنای فمینیستی معتقدند که یک دختر می تواند ازدواج نکند و زندگی مستقلی داشته باشد. در این میان، ۳۲ درصد به آرامش و تکیه گاه بودن ازدواج توجه نشان داده اند. ۱۸ درصد افراد در برداشتی کارکردی به صاحب خانواده شدن و هویت پیدا کردن و ۱۵ درصد نیز با نگاهی دینی آن را سنتی دینی و در راستای تکمیل شدن زن بیان نموده اند

1. Peter L. Berger
2. Thomas Luckmann
3. Constructionism
4. Self

(غیاثوند، ۱۳۹۶). این یافته‌ها نشان دهنده کنشگری در تصمیم به ازدواج است که به بیان آیزن، فیش باین^۱ و جیمز مارچ^۲ به زنجیره‌ای از عوامل (تصمیمات عقلانی و هنجارها) بستگی دارد (مارچ، ۱۳۹۶؛ آیزن، ۱۹۸۸). برخی مطالعات نشان می‌دهند که روزانه در سراسر جهان ۳۹۰۰۰ هزار دختر جوان قبل از رسیدن به سن قانونی ازدواج می‌کنند و بیشتر از یک سوم آنها جوان تر از ۱۵ سال هستند و خیلی از این ازدواج‌ها به صورت اجبارآمیز است و در اکثر کشورهای اروپایی نیز دیده می‌شود (فرسکورولفو، ۲۰۱۸: ۲).

در کشورمان نزدیک به یک میلیون کودک همسر داریم. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۴، ۳۰۰۰ هزار و ۹۴۴ نفر دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله، کودک همسری را در شهر تبریز تجربه کرده‌اند که بیشتر این ازدواج‌ها در بخش‌ها و روستاها و دلیل اصلی آن نیز اجبار والدین بوده است. (مردی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷-۸) مطالعات دیگر نیز نشان می‌دهد که بیش از ۷/۷ درصد از دختران در تهران و ۴۰ درصد از دختران در سیستان و بلوچستان قبل از ۱۸ سالگی مجبور می‌شوند که ازدواج کنند (مطلبی و دیگران، ۲۰۱۳: ۲۲۸). برگر معتقد است که در تصمیم به ازدواج ظاهراً جامعه‌گزینه‌هایی را پیش روی ما می‌گذارد و دست ما را در انتخاب باز می‌گذارد، اما واقعیت آن است که دست نیرومند جامعه بر این تصمیم اثر می‌گذارد. برای مثال، صحنه‌ای را متصور شوید که در آن دو نفر عاشق و معشوق در کنار هم نشسته‌اند. اگرچه عاشقانه یکدیگر را دوست دارند، اما جامعه محدودیت‌هایی بر این گزینه‌ها اعمال می‌کند یا این که بر زوج‌هایی که از طبقه اجتماعی-اقتصادی یکسان هستند، بسیار آسان می‌گیرد و در راه کسانی که این هماهنگی را ندارند، سنگ اندازی می‌کند (برگر، ۱۳۹۶: ۱۰۵). پس سوال مهم این است که چگونه در بازی ساخت اجتماعی، واقعیت^۳ تصمیم به ازدواج شکل می‌گیرد و به نمایش گذاشته می‌شود؟

افراد معمولاً به گونه‌ی پدیده‌ای جهان شمول یکبار در زندگی تصمیم به ازدواج می‌گیرند و این تصمیم دارای مجموعه پیامدهایی است که در تمامی عرصه‌های جامعه می‌تواند اثر بگذارد. به این ترتیب باید توجه کرد که تصمیم به ازدواج چگونه صورت می‌گیرد و ساخت‌های اجتماعی چگونه در شکل‌گیری این واقعیت نقش ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر در پی مطالعه این است که با توجه به واقعیت زندگی روزمره خانواده‌ها در شهر تهران، تصمیم به ازدواج در بین دختران و پسران عقد کرده چگونه اتخاذ شده است. به طور دقیق‌تر این تحقیق با رویکرد اشتراوس و کوربین به دنبال نظریه‌سازی در این باره است؛ اینکه شروع تعاملات و آشنایی‌های اولیه دختران و پسران برای ازدواج (در سطح کنش)، به تدریج در جهت شکل‌گیری زندگی چگونه تداوم می‌یابد، تصمیم به ازدواج آنها طبق چه فرایندی، چگونه و با چه زمینه‌ها و چالش‌هایی به سطح خانواده‌ها کشانده می‌شود، چگونه در قالب مراسم اجتماعی، قواعد و قوانین ازدواج (مهریه، شرط ضمن عقد و...) به لحاظ شرعی و قانونی عقد می‌کنند و تشکیل زندگی می‌دهند و تحت تاثیر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، چگونگی کنشگری دختران و پسران برای ازدواج، ساخت اجتماعی پیدا می‌کند.

1. Ajzen and Fishbein

2. James G. March

3. The social construction of reality

پیشینه پژوهش

امروزه تعاریف متعددی از خانواده وجود دارد که متناسب با آن، صور گوناگونی از خانواده و به عبارت دیگر ساخت های متعددی از آن را در بر می گیرد. به بیان جسی برنارد^۱ (۱۹۷۳) ما با انواع خانواده مواجه می شویم که برای افرادی که انتظارات گوناگونی از رابطه خود دارند، راه های گوناگونی فراهم می گردد (تافلر، ۱۳۸۸: ۲۹۸) و به همین دلیل شاهد تحولاتی در حوزه خانواده هستیم (بدون قضاوت ارزشی داشتن) مانند افزایش سن ازدواج دختران و پسران، تغییر در روابط همسران، تنوع در شیوه های همسرگزینی، دگرگونی روابط بین نسلی در خانواده، تغییر سطح انتظارات دختران و پسران از ازدواج، استقلال اقتصادی زنان، تغییر نگرش های جنسی، افزایش ناامنی شغلی در میان جوانان، ظهور سبک های زندگی جایگزین و فقدان بازار قرار آشنایی موثر^۲ (رایمو و پارک، ۲۰۲۰: ۱) که این تعاریف و صور گوناگون از خانواده و تحولات آن بر ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج اثر گذار می باشد. یافته های پژوهش های مرتبط به شرح زیر است:

دختران متأثر از شرایط اجتماعی، با محدودیت هایی برای ازدواج رو به رو شده اند که با عنوان «پاتومیم دختران در ایستار ازدواج» از آن یاد می شود و دارای مقولات ایستار بازگو نکردن ازدواج، بازی ندادن، بازی نکردن دختران برای ازدواج و بازماندن از ازدواج می باشد (غیاثوند و حاجیلو، ۱۳۹۹). تفاوت معناداری بین نظر پدران و پسران در مورد قومیت، گرایش دینی، سن، ملاک های انتخاب همسر، تعداد همسر و نحوه انتخاب همسر و ملاک های انتخاب همسر وجود دارد و سه اولویت پسران تحصیلات، تفاهم و اشتغال است، در حالی که پدران دیندار، محجب بودن و خانواده اصیل داشتن را در اولویت دانسته اند (امینی و دیگران، ۱۳۹۷). در زمینه تمایل دختران جوان نسبت به نگرش خواستگاری سنتی و جدید، بیشترین ترجیح مربوط به ترجیح شیوه خواستگاری مدرن و کمترین ترجیح به شیوه خواستگاری سنتی می باشد (کوهستانی، ۱۳۹۶). افزایش میزان سازگاری زناشویی به دلیل توافق والدین با ازدواج (ملک عسگر و دیگران، ۱۳۹۶)، واکاوی معنایی همسرگزینی به منزله پدیده ای اجتماعی در میان زنان جوان و شناسایی سه الگوی غالب برای گزینش همسر شامل سنتی، تعاملات دوستانه و بینابینی (اصغرپور ماسوله و دیگران، ۱۳۹۶)، توصیف چپستی و چگونگی تجربه زیسته عشق ازدواجی در دوران آشنایی تا لحظه عقد از منظر کنشگران تازه ازدواج کرده و چگونگی تقابل عقل و احساس (مختاری و دیگران، ۱۳۹۵) از دیگر یافته های پژوهشی است. در بین متغیرهای پژوهشی آشنایی قبل از ازدواج، معیار الگوگیری از رسانه، تقید مذهبی، حس رقابت جویی و تاکید بر ارزش های مادی بیشترین تاثیر را در همسرگزینی داشته و در مقابل متغیرهایی مانند ساخت خانواده، توجه به زیبایی ظاهر، توجه به شخصیت روانی فرد و تصور افراد از پیامدهای طلاق نیز با افزایش رده سنی، کمتر به عنوان معیار همسرگزینی مورد توجه قرار گرفته است (سلیمانی بشلی، ۱۳۹۴). فشار جامعه بر دختران برای وارد کردن آنان به پذیرش ازدواج و دست به خطری هدفمند زدن (صفایی، ۱۳۹۰)، رابطه معنی دار بین تجددگرایی و همسرگزینی که با افزایش تجددگرایی، نقش واسطه های انسانی در انتخاب همسر و برپایی مراسم ازدواج کم رنگ می شود و

1. Jessie Bernard

2. The lack of an effective dating market

نگرش به مهریه و انتخاب فردی کمترین رابطه را با تجددگرایی داشته است (ساروخانی و مقریان، ۱۳۹۰) از دیگر یافته‌های پژوهشی است. با مطالعه ۴۵ کشور آشکار شد که مردان بیشتر از زنان، همسر جوان و جذاب و زنان بیشتر از مردان، همسر مسن تر و متمکن را ترجیح می‌دهند. البته این مطالعه نشان داد که هر دو جنس همسران شان به لحاظ سنی نزدیک به هم می‌باشند که با مباحث برابری ارتباط دارد (والتر و دیگران، ۲۰۲۰). در کاوش زمینه‌ اجتماعی- فرهنگی کاربرد جهیزیه در بنگلادش، یافته‌ها حاکی از عدم درک قانونی و آزار و اذیت ذهنی، جسمانی و اجتماعی به دلیل درخواست جهیزیه می‌باشد (احمید و کاشیم، ۲۰۱۵). اهمیت تاثیر خانواده، دوستان، عوامل مذهبی و دریافت مشاوره در ایجاد نگرش به سوی ازدواج بزرگ (ویس، ۲۰۱۴) و این که در کنار یکدیگر بودن، تناسب در معنا، همکاری در ساختن معنای مشترک و گفتگو منجر به رضایت بخشیدن در زندگی زناشویی می‌گردد (گیتی پسند و دیگران، ۲۰۱۴) از دیگر نتایج پژوهشی است. یافته‌های پژوهشی با هدف کاهش ناراضیاتی جنسی نشان می‌دهد که برنامه‌ جدید آموزش پیش از زناشویی، هیچ گونه برتری بر روش کلاسیک ندارد و دستور کار آموزش پیش از زناشویی باید اصلاح گردد (یزدان پناه و دیگران، ۲۰۱۴). همچنین بررسی‌ها گویا آن است که دوستان نقش قدرتمندی در عقاید و انتظارات ازدواج جوانان ایفا می‌کنند- اگرچه این تاثیر بر اساس میزان صمیمیت و جنسیت متفاوت است (یوفهولز، ۲۰۱۲). نوآوری پژوهش حاضر پرداختن به پیوند بین ساخت اجتماعی واقعیت و تصمیم به ازدواج است و اینکه ساخت‌ها چگونه تصمیمات افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند و نحوه تصمیم‌گیری آنها در مقابل این ساخت‌ها چگونه است.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب نظری در واقع عینکی است که از طریق آن می‌توان واقعیت‌های جهان اجتماعی را نظاره، تفسیر و تبیین کرد. برای رسیدن به چنین چشم اندازی مباحث نظری مرتبط با ساخت اجتماعی واقعیت و تصمیم به ازدواج را مطرح می‌شود. تصمیم‌گیری در یک معنا، انتخاب یک راه از میان راه‌های گوناگون است. به همین دلیل فعالیت اصلی تصمیم‌گیرنده، انتخاب اصلح از میان گزینه‌هاست (الوانی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). فهم هر تصمیم معین نیازمند شناخت عمیق از زمینه‌ای است که تصمیم در آن گرفته می‌شود و این یعنی شناخت جنبه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از محیط تصمیم‌گیری و نیز شناخت از افراد، سازمان‌ها و نهادهایی که در تصمیم‌گیری دخیل بوده‌اند (مارچ، ۱۳۹۶: ۷). ساخت اجتماعی واقعیت به عنوان یک فرآیند اجتماعی تعریف شده است که از طریق کنش و تعاملی که فرد یا گروهی از افراد با یکدیگر دارند، واقعیتی را برای خودشان ایجاد می‌کنند و با یکدیگر به طور ذهنی تجربه می‌نمایند (دریسمن، ۲۰۱۶: ۱۵۰). به این ترتیب، در این نگرش جامعه یک محصول انسانی و یک واقعیت عینی است و انسان نیز یک محصول اجتماعی و واقعیت اجتماعی به شمار می‌آید که در یک فرایند دیالکتیکی بیرونی شدن، عینی شدن و درونی شدن ساخته شده است (دریسلر، ۲۰۱۸: ۶-۵ و برگر و لوکمان، ۱۳۸۷). از جمله ویژگی‌های ساخت اجتماعی این است که بر اساس عاملیت و نیازهای کنشگران به وجود می‌آیند (دانایی فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸: ۶۰)، اجتماعی، فرهنگی و

تاریخی هستند (دانایی فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸: ۶۱؛ پر، ۱۳۹۴: ۱۹)، قابل تغییر، شیء گونه و از طریق زبان تولید می شوند و در راستای بازتولید برآیند قدرت موجود ایجاد می گردند (دانایی فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸: ۶۵-۶۱). فکر ساخته شدن اجتماعی واقعیت در چارچوب زندگی خانوادگی حاصل بسط نظر برگر و کلنر در مورد «ازدواج و ساخت واقعیت» است (برناردز، ۱۳۹۶: ۶۷) که به بررسی موضوع ساخت اجتماعی واقعیت در جریان ازدواج می پردازند. این الگو ازدواج را به مثابه گفتگوی مداوم به نمایش می گذارد که زن و شوهر طی آن درک مشترکی از جهان اجتماعی پدید می آورند و همسران برای رسیدن به توافق و سازش، جهان نگری مشترکی بنا می کنند (برناردز، ۱۳۹۶: ۲۴۵-۲۴۴).

مباحث نظری مرتبط با ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج به شرح زیر است:

بر اساس «نظریه فیلتر»^۱، در دوران گوناگون آشنایی و انتخاب همسر فیلترهایی اهمیت پیدا می کنند از جمله اینکه شریکان ابتدا یکدیگر را در قالب شباهت هایشان بر اساس خصیصه هایی چون دین، آموزش و طبقه اجتماعی ارزیابی می کنند. به همین ترتیب افرادی که در این فیلتر ناهمسان تلقی شوند، از دایره انتخاب همسر کنار گذاشته می شوند و در این فیلتر، ابتدا ویژگی های جمعیت شناختی و سپس نظام باورها و ارزش ها اهمیت بیشتری پیدا می کند (ریگان، ۲۰۰۸: ۴۱-۴۰)

«نظریه محرک - ارزش - نقش»^۲ پیشنهاد می کند که زوج ها در انتخاب همسر سه گام را پشت سر می گذرانند. در مرحله محرک، شریکان خصوصیات بیرونی خودشان و یکدیگر را مانند خصوصیات جسمانی و رفتاری ارزیابی می کنند. گام بعدی به مطابقت و سازگاری با ارزش ها و نگرش های گوناگون مربوط می شود و اگر در این مرحله نیز توافقی صورت گیرد، به گام نقش می رسیم. در طول این گام، شریکان خودشان و یکدیگر را برای شایستگی در نقش های گوناگون مانند والد و همسری ارزیابی می کنند (ریگان، ۲۰۰۸: ۴۲-۴۱).

استرنبرگ (۱۹۸۶) تلاش می کند که جنبه های روابط عاشقانه را ترسیم کند و به این ترتیب دیدگاه مثلث عشق را مطرح می کند که شامل سه بعد اصلی تعهد، اشتیاق و علاقه شدید و صمیمیت است. بودن یا نبودن هر یک از این سه بعد در رابطه، انواع متنوعی از عشق را به وجود می آورد؛ از جمله عشق تهی، علاقه، شیدایی، عشق رفاقتی، عشق احمقانه، عشق آرمانی و عشق کامل (لیوو، ۲۰۱۵: ۷-۶؛ همسات، ۲۰۱۶: ۳۵؛ نوکس و اسکاچ، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۷).

اینکه افراد در تعاملات اجتماعی شان تلاش می کنند تا سود را به حداکثر و هزینه را به حداقل برسانند تا بیشترین منفعت نصیب آنان گردد، مبتنی بر «نظریه تبادل اجتماعی»^۳ است (بلنکینشپ، ۲۰۰۸: ۱۷).

«نظریه تکاملی»^۴ در زمینه انتخاب همسر و تصمیم به ازدواج نشان می دهد که افراد همسرشان را به دلیل فشارها و نیازهای گوناگون از جمله سکس و فرزندآوری انتخاب می کنند و دو جنس مخالف به طور طبیعی به

1. Filter Theory
2. Stimulus-value-role
3. Social exchange theory
4. Evolutionary theory

دلیل نیازها به هم مرتبط می شوند (کانلی، ۲۰۰۷: ۱۶-۱۵).

«نظریه بازی» به روابط ازدواج و خانواده نه تنها به عنوان زمینه های سرگرمی، بلکه به عنوان روشی برای بیان الگوهای تعاملی در خانواده در نظر دارد و مانند همه بازی ها، در ازدواج نیز چندین مفهوم دیده می شود؛ از جمله اهداف بازی، انتظارات از بازی، نقش ها، قوانین، ارزش ها، زبان، تدابیر، تشریفات، مصنوعات و اسطوره ها. به عنوان مثال، همه بازی ها دلایلی دارند - چنان که هدف فوتبال گل زدن است - و برای برخی افراد هدف ازدواج افزایش خوشی، امنیت مالی بیشتر یا تولید مثل است (نوکس و اسکاچ، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۴).

در «نظریه گزینش عقلانی ناب»، جیمز مارچ معتقد است که تصمیم گیران کنشگران عقلانی هستند که در جستجوی گزینه هایی می باشند که می دانند شناخت شان از آن محدود است. به این ترتیب ممکن است تصمیم های آنها کاملاً عقلانی نباشد؛ زیرا تصمیم گیران با محدودیت هایی از جمله ادراک و حافظه رو به رو هستند (مارچ، ۱۳۹۶: ۲۱-۱۶). از سویی برخی، تصمیم گیران را دنباله رو و پیروان قواعد تصویر می کنند که اصل برای آنها تناسب رفتار با موقعیت هاست و تلاش آنها برای تحقق هویت های شان است (مارچ، ۱۳۹۶: ۱۳۵). «نظریه انتخاب»، مخالف سنت باستانی «من صلاح تو را می دانم» است. تلاش برای مجبور کردن افراد برای اینکه کاری را انجام دهند که ممکن است تمایل به انجام آن را نداشته باشند، نوعی «کنترل بیرونی» است و گلاسر^۱ این روانشناسی جهانی را به دلیل این که اختیار را می گیرد و روابط را تخریب می کند، «روانشناسی کنترل بیرونی» نام می نهد (گلاسر، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۹). نظریه انتخاب، روانشناسی کنترل درونی را به جای روانشناسی کنترل بیرونی مطرح می کند (گلاسر، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۱).

آیزن و فیش باین در نظریه کنش منطقی اشاره می کنند که رفتار بعد از در نظر گرفتن عوامل گوناگونی بروز می یابد که یکی از مهمترین پیش نیازهای آن اراده و قصد و نیت است. اراده تابع دو متغیر گرایش به رفتار و هنجارهای ذهنی است که در بحث متغیر گرایش به رفتار، یک محاسبه عقلانی مبتنی بر سودمندی به جریان می افتد و در متغیر هنجارهای ذهنی، رفتار و تصمیمات افراد برآمده از فشارهای گروه های مرجع می باشد (آیزن، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱).

نظریات مطرح شده حاکی از پیوند تنگاتنگ بین تصمیم به ازدواج و ساخت واقعیت اجتماعی می باشد و این نظریات در مقابل دیدگاهی قرار می گیرد که می پندارند ازدواج به مثابه یک واقعیت اجتماعی، امری بدیهی و جزئی از چرخه متعارف زندگی است؛ چنان که دختر و پسر همدیگر را می بینند، عاشق یکدیگر می شوند و پسر ابتدا سعی می کند بحث را آغاز کند، سپس پیشنهاد ازدواج می دهد و در نهایت با هم ازدواج می کنند.

بدین ترتیب، سوالات پژوهش حاضر به قرار زیر است:

- تصمیم به ازدواج در بین دختران و پسران عقد کرده در شهر تهران چگونه رخ می دهد؟
- شرایط علی موثر بر تصمیم گیری به ازدواج برای جوانان چیست؟
- شرایط زمینه ای موثر بر تصمیم گیری به ازدواج برای جوانان چیست؟
- شرایط ساختاری موثر بر تصمیم گیری به ازدواج برای جوانان چیست؟

- جوانان در تصمیم گیری برای ازدواج چه راهبردهایی را به کار می گیرند؟
- این تصمیم گیری با چه پیامدهایی رو به رو است؟

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی، با روش نظریه زمینه ای و با رویکرد اشتراوس و کوربین صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان و مردان عقد کرده ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۹ می باشد که حداکثر یک سال از انعقاد عقدشان گذشته باشد. حجم نمونه در این پژوهش، ۲۶ نفر شامل ۱۵ زن و ۱۱ مرد می باشد که مبتنی بر نمونه گیری هدفمند و با توجه به سطح اشباع داده ها، جمع آوری داده ها متوقف گردید. ملاک ها و معیارهای مصاحبه شوندهان عبارت است از: ۱) عقد کرده باشند (لزوم تعهد، نه صرفاً دوستی) و حداکثر یکسال از زمان انعقاد عقدشان گذشته باشد تا بتوانند تجربیات شان را به یاد بیاورند؛ ۲) سن آنان بین ۱۷ تا ۴۰ سال باشد؛ ۳) درخواست طلاق نداده باشند؛ ۴) ساکن شهر تهران باشند. در این پژوهش از ابزار مصاحبه نیمه ساخت یافته برای گردآوری داده ها استفاده شد که عمدتاً به صورت حضوری انجام گردید. مدت زمان مصاحبه ها بیش از یک ساعت بوده و برای ایجاد اعتبار از شیوه های قابلیت تایید، قابلیت اعتبار و قابلیت انتقال استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس سه مرحله کدگذاری باز (OC)، محوری (Ac) و گزینشی (Sc) انجام گرفته است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت کنندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل	ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل
۱	آرش	۳۰	کارشناسی	فروشنده	۱۴	نسرین	۲۶	ارشد	کارمند
۲	هانیه	۲۵	کارشناسی	خانه دار	۱۵	بهرام	۳۲	دیپلم	مغازه دار
۳	کوروش	۲۲	کارشناسی	فروشنده	۱۶	سمانه	۳۱	دیپلم	کارمند
۴	نگین	۲۴	ارشد	کارمند	۱۷	کیارش	۲۶	کاردانی	نجاری
۵	حامد	۲۵	کارشناسی	کارمند	۱۸	آیدا	۲۹	ارشد	کارمند
۶	مهناز	۲۲	دیپلم	خانه دار	۱۹	محیا	۲۵	ارشد	خانه دار
۷	پژمان	۲۷	دیپلم	فروشنده	۲۰	باران	۲۵	کارشناسی	کارمند
۸	سیما	۲۹	دیپلم	خانه دار	۲۱	المیرا	۲۶	دیپلم	خانه دار
۹	فرزاد	۲۹	کارشناسی	راننده	۲۲	سحر	۱۸	سیکل	خانه دار
۱۰	سپیده	۲۶	ارشد	مدیر عامل	۲۳	فرشته	۳۱	کارشناسی	مزون دار
۱۱	مسعود	۲۷	کارشناسی	مغازه دار	۲۴	بابک	۳۰	کارشناسی	مزون دار
۱۲	سارا	۲۶	ارشد	دانشجو	۲۵	آزیتا	۳۲	کارشناسی	آرایشگر
۱۳	آریا	۲۷	کارشناسی	کارمند	۲۶	سینا	۲۷	کارشناسی	فروشنده

یافته‌های پژوهش

۱) پدیده مرکزی: چالش سیاست تقابل در میدان بازی نمایش

در پاسخ به سوال اصلی پژوهش که واقعیت تصمیم به ازدواج در جامعه ما چگونه ساخت یافته، مضمون اصلی «چالش سیاست تقابل در میدان بازی نمایش» استخراج گردید. چالش سیاست تقابل در این مضمون اشاره به دو سویه بزرگ (ساختارها و عاملیت) دارد که شاهد چالش و کشمکشی بین آنها در میدان بازی نمایش می‌باشیم. بر اساس اعتقاد برگر، جامعه را می‌توان مانند صحنه تئاتری در نظر گرفت که در آن نقش معینی را ایفا می‌کنیم و جامعه برای بازیگران نقش‌های گوناگون، نمایشنامه‌هایی را آماده ساخته است. برگر، شیوه‌های دورکهایمی و وبری را برای بررسی جامعه نقیض یکدیگر نمی‌بیند، زیرا معتقد است که امری پذیرفتنی است اگر بگوییم جامعه واقعیتی عینی است و چارچوب‌های کنش‌های ما را تعیین می‌کند، اینکه عاشق چه کسی شویم و عاشق چه کسی نشویم، آیین‌ها و آداب و رسوم ازدواج چه باشد و چه نباشد. اما از سویی کنش‌های معنادار ما به پیدایش جامعه و دگرگونی آن می‌تواند کمک کند، زیرا معانی و تفسیر کنشگران بی‌اهمیت نیست و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و به تعبیری جامعه، ما را تعیین می‌کند و ما نیز به نوبه خود جامعه را تعیین می‌کنیم (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷). بر اساس بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته از طریق مصاحبه‌ها، می‌توان این چالش سیاست تقابل در میدان بازی نمایش را در چهار سنخ دسته‌بندی و تحلیل کرد:

الف) نظاره‌گری فعال در میدان: در الگوی نظاره‌گری فعال، خانواده شرایط آشنایی و ازدواج را فراهم می‌کند و در این بستر دختر و پسر و خانواده‌ها، از یکدیگر رضایت دارند و دختر و پسر از اجازه رد پیشنهاد ازدواج بعد از برگزاری مراسم خواستگاری برخوردارند. در این رویه معمولاً دوران آشنایی قبل از خواستگاری نداریم، چون افراد همدیگر را برای اولین بار در جلسه خواستگاری دیدند، مگر اینکه از دوستان و آشنایان یکدیگر باشند. به دلیل بستر سنتی خانواده مصاحبه‌شونده‌ها و داشتن این عقیده که اگر انتخاب از سوی خانواده صورت گیرد، شایسته‌تر است و می‌تواند موجبات خوشبختی فرد را ایجاد کند و چون برخی از دختران و پسران کمتر در فضاهایی قرار می‌گیرند که فرصت آشنایی با جنس مخالف را بیابند، نقش خانواده پررنگ‌تر است.

«من کلاً زیاد توی کوچه و خیابون نبودم. یه دانشگاه و یه مسجد محل برای نماز می‌رفتم و بقیه جاهارو با مامانم و کلا خانوادگی می‌رفتیم. به خاطر همین خواستگار زیاد داشتم و هر چند روز یکبار مامانم می‌گفت یکی می‌خاد امشب بیاد خواستگاری ات. عادت کرده بودم به اون شرایط دیگه. البته هر خواستگاری اجازه این رو نداشت که بیاد خونه ما. باید از فیلترهای بابام و من رد می‌شد» (سارا، ۲۶ ساله)

ب) تسلیم و مبهوت در میدان: در این سنخ خانواده‌ها مقدمات ازدواج دختر و پسر را بدون اینکه آنان راضی باشند، فراهم می‌کنند که در حال حاضر دلیل عمده آن مشکلات اقتصادی می‌باشد و به گونه‌ای خانواده مجبور شده که دختر یا پسر خود را به مجبور به ازدواج کنند- در این سنخ ازدواج بیشتر دختران قربانی می‌شوند. گاهی شرایط به گونه‌ای است که فرد به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی مجبور به ازدواج نمی‌شود، بلکه خانواده برای اینکه فرد متاهل شود و در اصطلاح سر و سامان پیدا کند، شرایط و مقدمات ازدواج را اجباراً فراهم می‌کند که البته متأسفانه این ازدواج‌ها نتوانسته موجبات آرامش و خوشبختی را ایجاد کند:

«یکی از دوستانم توی دانشگاه، پدرش از کار افتاده میشه و شرایط اقتصادی بدی داشتن. به مرده می یاد خواستگاریش که قبلاً ۲ دفعه ازدواج ناموفق داشته و یکی شون رو هم طلاق داده بود. چون وضعیت بدی داشتن، پدرش می گه قبول کن. وقتی اینا می رن سر خونه و زندگی خودشون، پسره می گه برای اینکه مطمئن باشم به من خیانت نمی کنی باید این سفته ها رو امضا کنی. دوستم کلید خونه خودشون رو هم نداشت و کلا توی خونه حبس شده بود. وقتی به بار دیدمش ۱۰ سال پیر تر شده بود، به آدم افسرده و گوشه گیر» (سپیده، ۲۶ ساله) (پ) بازی آزاد تایید شده در میدان: منظور از بازی آزاد این است که دختر و پسر خودشان یکدیگر را نخستین بار دیده و متوجه شدند که گزینه های مناسبی برای هم هستند و سپس خانواده ها را مطلع کرده و آنان نسبت به این موضوع واکنش مثبتی نشان داده و تایید کرده اند. به این ترتیب معمولاً شاهد این هستیم که دوران آشنایی وجود دارد و مصاحبه شونده ها بیان می کردند که این سنخ در مقایسه با دیگر سنخ ها از آنجا که موجب شناخت بیشتر می شود، بهتر است:

«خانومم رو مدت ها بود که زیر نظر داشتم توی محل. رفت و آمد هاشون رو می دیدم. شاید باورت نشه وقتی یه پسری می رفت توی خونشون چک می کردم بینم کیه، چی بود. به خانواده ام چیزی نمی خواستم بگم تا قطعی نشده. ولی بگم که خانواده ام به من اعتماد کامل داشتن که کاری نمی کنم که اعتبار و حیثیت خانوادگی مون رو زیر سوال ببرم» (مسعود، ۲۷ ساله)

(ت) بازی آزاد محدود شده در میدان: گاهی شرایط به گونه ای پیش می رود که دختر و پسر یکدیگر را دوست دارند و تمایل دارند که با هم ازدواج کنند، اما خانواده ها مخالف هستند و میدان را برای آنان محدود و بسته می کنند و تمایلی برای شکل گیری این ارتباط ندارند. نکته قابل توجه این است که انجام این بازی برای پسران آسان تر و برای دختران بسیار سخت و در عین حال با ریسک بالاست، زیرا خانواده ها در مقایسه با پسران، هراس ها و اضطراب های زیادی را برای آنان ایجاد کرده است:

«من دختر خالم به خاطر فشارهایی که خالم و شوهر خالم روش می آوردند، با شوهرش فرار کردن و دختر خالم پیغام داده بود که اگه می خواین برگردم و دوباره من رو ببینید باید بذارید که ما با هم ازدواج کنیم» (نگین، ۲۴ ساله)

۲) شرایط علی

با توجه به سنخ های چهارگانه مذکور می توان شرایط علی موثر بر ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج در بین جوانان شهر تهران را بر اساس مصاحبه های صورت گرفته به تصویر کشید. عمده ترین مقوله های شرایط علی پدیده پژوهش بدین شرح است:

الف) پلکان نیازهای بنیادین حیات: انسان ها در دوران جوانی یک سری خلاء هایی را در زندگی خودشان احساس می کنند که اگر بهترین خانواده را هم داشته باشند، نمی توانند آن نیازها را ارضا کنند. به همین دلیل روی به سمت ازدواج می آورند. باید توجه داشت که برای رفع نیازها، راه های گوناگونی وجود دارد؛ ولی آنچه مدنظر ما می باشد ساختی است که با یک تعهدی به نام عقد شکل می گیرد. «رفع نیاز جنسی»، «تامین نیازهای مالی» و «فرزندآوری» (پلکان اول)، «احساس امنیت یافتن»، «رهایی از اضطراب اجتماعی» و «فرار از تنهایی»

(پلکان دوم)، «رفع نیاز روانی»، «حس دوست داشته شدن»، «متعهد شدن» و «مسئولیت پذیر شدن» (پلکان سوم)، «احترام به سنت»، «رسیدن به درک متقابل»، «هدفمند شدن زندگی»، «دوری از رذایل اخلاقی»، «استقلال یافتن»، «بالا رفتن منزلت و اعتبار»، «بدست آوردن حمایت خانواده»، «افزایش اعتماد به نفس» و «مکمل یکدیگر شدن» (پلکان چهارم) و «تکامل فردی و اجتماعی» (پلکان پنجم) از جمله مقولاتی است که مصاحبه شونده‌گان به آنان اشاره داشتند و تا نیازهای پلکان اول ارضا نشود، نمی‌توان به پلکان بعدی رسید: «زن و مرد مکمل هم هستند؛ مثلاً من می‌دونستم چه نواقصی دارم. همسر آدم محرمه آدمه، ولی روابط دوستی موقتی‌ه و منزلت آدم رو پایین می‌یاره. صد البته نیازهای جنسی آدم هم برطرف می‌شه و این اتفاقا فکر می‌کنم مهمترین بخش زندگی باشه، چون اگه تامین نشه، احساس عصبانیت و خشم درونی می‌کنی و هر کاری حاضری انجام بدی تا تخلیه بشی» (محیا، ۲۵ ساله)

ب) اشتباهات سیستماتیک: «پرش در مراحل ازدواج»، «بی توجهی خانواده در فرآیند تصمیم‌گیری» و «تنفس در فضای گلخانه» از جمله اشتباهاتی است که موجب می‌گردد که شناخت درستی صورت نگیرد و دختر و پسر نتوانند به خوبی یکدیگر را بشناسند. در ارتباط با پرش در مراحل ازدواج می‌توان از مفهوم جدیدی با عنوان «تایتانیک‌ی شدن تصمیم به ازدواج» استفاده کرد. کشتی تایتانیک را آیسبرگ به اعماق دریا کشاند. چنین آیسبرگ‌هایی فقط در دریا وجود ندارد، بلکه در فرآیند انتخاب همسر نیز دیده می‌شود. وقتی فرد مراحل آشنایی را طی نمی‌کند، باعث می‌گردد که با بخش اعظم شخصیت دیگری که فقط در طی زمان شناخته می‌شود، آشنا نشود و فقط با آن بخش پیدای آیسبرگ شخصیت آشنا می‌شود و بخش اعظم و اصلی آیسبرگ پنهان بماند. پس از آشنایی اولیه، دختران در نسبت با پسران حساسیت زیادی از خودشان نشان می‌دادند.

«ما زمانی که رفتیم خواستگاری، خانواده همسر می‌گفتند که ما رسم نداریم که دختر و پسر مدت طولانی صیغه موقت هم بمونن و ما عقد دائم می‌کنیم. ما می‌گفتیم کمی بیشتر همدیگر رو بشناسیم، اما اونا می‌گفتند که برامون حرف در می‌بارن» (کوروش، ۲۲ ساله)

بی توجهی خانواده در فرآیند تصمیم‌گیری، از جمله مقولاتی است که فشار زیادی را بر دختران و پسران وارد می‌کند. برخی از خانواده‌ها به دلیل اینکه با یکدیگر خویشاوند هستند، خیلی به مسائل و موضوعات ازدواج توجه نمی‌کنند و از پدیده‌ای موسوم به «دوقلوهای متضاد» - یعنی حتی بین دو انسان دو قلو نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود، حال آن‌که تفاوت‌های بین دو انسان جای خود دارد - غافل هستند:

«پدر و مادرامون اصلاً به خیلی چیزها توجه نداشتن و فقط می‌خواستن مراسم تموم بشه و فیصله بدن ازدواج رو. چون ما فامیل بودیم و پدرامون یه رابطه فروشندگی و خریداری داشتند، فکر می‌کردن که این کافیه. اما خُب اشتباه می‌کردن و چوب اشتباهاتشون رو الان دارم من می‌خورم، البته اشتباه از من هم قطعاً هست که زود بله رو گفتم» (نگین، ۲۴ ساله)

تنفس در فضای گلخانه به فضای داخلی خانه اشاره دارد که خواستگار سعی می‌کند خودش را به دختر و خانواده اش مودب نشان دهد و وانمود کند که همه چیز تحت کنترل است، اما زمانی که آنها در محیط بیرون از خانه قرار می‌گیرند و رفتار همدیگر را در محیط می‌بینند، آن وقت متوجه خصوصیات رفتاری متفاوت یکدیگر

می شوند. برخی از خانواده ها به همان فضای گلخانه ای رضایت می دهند و باعث می شوند که دختر و پسر نتوانند به خوبی همدیگر را ارزیابی کنند، اما آنچه که از اهمیت برخوردار است، «واکنش در لحظه» می باشد: «ما برای آشنایی مون رفت و آمدهایی توی محیط باز داشتیم که واقعی تر بود، یهوایی اتفاقی می افته و توی اون واکنش های یهوایی از طرفت می تونی خیلی چیزها رو بفهمی. وقتی توی خونه هستی، فضای خونه خیلی مصنوعی و کنترل شده و خیلی شیک و مجلسیه و هر دو سعی می کنن که همه چیز رو خوب نشون بدن و واقعی نیست» (سارا، ۲۶ ساله)

پ) نگرش برزخ گونه به عقد: عالم برزخ در مباحث الهیات به معنای فاصله بین دنیا و آخرت است؛ یعنی چیزی در میان دو چیز دیگر می باشد. همین نوع نگرش در ارتباط با عقد و خواندن خطبه عقد و گفتن بله نیز دیده می شود و به مصاحبه شوندگان چنین حسی القا می شد که گویی قرار است از یک جهان به جهان دیگری بروند، از جهان مجردی به جهان متهالی و در این گذار مدام با خود کلنجار می روند که چه می شود؟ آیا درست تصمیم گرفته ام؟ و برخی مدام یک حس تشویش و نگرانی را با خود به همراه دارند، زیرا با بالا رفتن آمار طلاق و از سوئی خیانت های زناشویی پس از ازدواج، مصاحبه شوندگان با خود می گفتند نکند که این اتفاق نیز برای من رخ دهد؟ به این ترتیب شاهد ترس ها و اضطراب هایی هستیم که در جامعه ساخت یافته است: «وقتی خواستم بله رو بگم با خودم می گفتم که دیگه تموم شد، شمال با یه کوله پشتی تموم شد، الو بریم تموم شد، الان باید صبح زود بری سر کار تا شب کار کنی، مثل این بود برام که یه خط کش گذاشتن گفتن آگه از این طرف بری، وارد یه دنیای دیگه می شی» (بهرام، ۳۲ ساله)

ت) چهار ضلعی گزینش رابطه: مقولات «اخلاق مداری»، «عقلانیت نگری»، «معامله گری» و «جذابیت جنسی» چهار ضلع مثلث را در ذیل مقوله فرعی چهار ضلعی گزینش رابطه تشکیل می دهند که متناسب با آن شاهد چهار نوع «عشق اخلاق مدارانه»، «عشق مبتنی بر محاسبه عقلانی»، «عشق مبادله گرایانه» و «عشق هوس انگیز» هستیم. هیچ یک از این اشکال به صورت ناب و خالص در عالم واقعیت وجود ندارد و در هر دوره ای متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه، گرایش به سمت یکی از اضلاع و اشکال عشق بیشتر می شود و خواه ناخواه توجه به دیگر اضلاع و اشکال عشق کاسته می شود. به عنوان مثال، در دوره فعلی بر اساس نگرش مصاحبه شوندگان، نگرش جنسی غالب است. البته دور از واقعیت نیست که فردی به هر چهار ضلع در زندگی توجه داشته باشد و در بین مصاحبه شوندگان نیز دیده شد که در این صورت «عشق تمامیت خواه» نامگذاری می شود:

«خوشم اومد دیگه، قبلا خجالت می کشیدم همسرم رو توی یه جایی، یه مهمونی معرفی کنم، اما الان با سربلندی می گم. ازدواج اولم رو به خاطر فشاری که مامانم روم می آورد که با پسر خالم ازدواج کنم، کردم ولی خودم اصلا راضی نبودم» (آزیتا، ۳۲ ساله)

۳) شرایط زمینه ای

عمده ترین مقوله های شرایط زمینه ای موثر بر ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج در بین جوانان شهر تهران با توجه به سنخ های چهارگانه مذکور پدیده در پژوهش به شرح ذیل است:

الف) تجربیات صحنه گردانان اجتماعی: منظور از صحنه گردانان اجتماعی، کارگزاران مختلفی چون خانواده، دوستان و مراکز آموزشی است که در جامعه پذیری افراد نقش مهمی دارند و از این قدرت برخوردار هستند که نگرش های کنشگران را شکل دهند. به این ترتیب این صحنه گردانان نقش مهمی را در ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج ایفا می کنند که از طریق مقولات «نصایح و تجربه زیسته خانوادگی»، «پیوندهای قوی دوستی» و «عرصه مهارت های اجتماعی مراکز آموزشی» می توان آنان را شناسایی کرد:

«علت مرد ستیزی بعضی از دخترها، طرز رفتار مردهای خونه و زندگی خانوادگی شونه. خیلی تاثیر می ذاره. مثلاً نوه خاله مادرم هست که یه دختر تحصیل کرده اس، خیلی ولی پدر بدی ذاره، روابط بسیار بد زناشویی پدر و مادرش، دایی ها و عموها هم همینطورن و وقتی دور و بر این دختر رو می بینم حق بهش می دم که الان هم نسبت به همسر خودش حس خوبی نداشته باشه و دائم توی یه اضطرابه یه هراسه» (سپیده، ۲۶ ساله)

ب) تفکرات قالبی خانواده نان آور دو جانبه: منظور از تفکر قالبی، نگرش ها و باورهای تعمیم یافته ای است که به صورت اغراق شده و اغلب نادرست در مورد برخی از افراد و گروه ها به کار می رود. یکی از نگرانی های زنان در جریان ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج، مقوله رابطه و شکاف بین خانه داری و کار در بیرون از خانه است. در همین فرایند برخی از زنان وقتی شرایط را مساعد نمی بینند، تصمیم می گیرند که ازدواج نکنند. برخی دیگر هم که تن به ازدواج می دهند، با نگرانی هایی رو به رو هستند. این تفکرات بخش مهمی از دغدغه های زنان و مردان در جامعه ما می باشند که در قالب مقولات «خاتمه پیشرفت فردی»، «اختلال در جریان زندگی»، «تقسیم کار منعطف» و «مسموم بودن فضای کاری» و در ذیل تفکرات قالبی خانواده نان آور دو جانبه مطرح می گردند. برخی از زنان واقعیت تصمیم به ازدواج را مانعی در راه پیشرفت فردی خودشان می بینند، چون معتقدند که اگر ازدواج کنند، همسرشان مانع پیشرفت تحصیلی و شغلی آنها می شود و در جامعه انتظار بر این است که خانم ها کدبانوی خوبی باشند. اختلال در جریان زندگی، مقوله ای است که بیشتر از سوی مردان شنیده می شود و معتقدند که اگر خانم ها بخواهند پا به پای مردان کار کنند، در جریان زندگی اختلال ایجاد می شود. در تقسیم کار منعطف، هم زن و هم مرد به یک تعادلی در زندگی رسیده اند و هر دو در کنار هم، کارهای خانه و بیرون از منزل را انجام می دهند. هم زنان و هم مردان بر مسموم بودن فضای کاری اذعان دارند:

«این تصور که یه خانم باید بشینه توی خونه، بشوره، بپزه و بسابه و از صبح تا شب کارش همین باشه، توی ذهن هم مردا هست و هم زنا. اما الان نقش خانوم ها رو تقلیل دادن به اینکه توی آشپزخونه باشن و این درسته که الان توی جامعه ما خیلی ها بترسن که بعد از ازدواج دیگه نمی تونن پیشرفت داشته باشن، ولی من با همسرم در ارتباط با این موضوع صحبت کرده بودم و الان مشکلی نداریم» (سارا، ۲۶ ساله)

پ) پهنه همسریابی: پهنه همسریابی در شکل دادن به ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج تاثیر گذار است. یکی از دغدغه های اصلی مصاحبه شوندگان این بود که مکان، فضا یا ساحت مشخصی وجود ندارد که افراد بتوانند خودشان را معرفی کنند و از آن طریق شرایطی فراهم شود تا دو نفر با یکدیگر به گفتگو بپردازند و بعد از عبور کردن از فرایندهای مشخص شده، با هم ازدواج کنند. به همین دلیل برخی از مصاحبه شوندگان

معتقد بودند که در جامعه افراد زیادی تمایل به ازدواج دارند، اما بستر مناسبی برای آشنایی نیست. «من و همسر من توی فضای مجازی با هم آشنا شدیم. هر دو تا مون توی یه گروه توی تلگرام عضو بودیم. اونجا من عکس همسر رو دیدم، خیلی خوشم اومد. رفتم توی PV ای ایشون. بهش پیام دادم و رابطمون شروع شد. بعدش اومدم عکس ایشون رو به پدر و مادرم نشون دادم و بعد از چند مدتی که من و ایشون با هم رفتیم بیرون، بعدش رفتم خواستگاری» (کیارش، ۲۶ ساله)

ث) پیش قدمی های سنت شکنانه: در دهه های متمادی به ویژه در جامعه خودمان، همواره رسم بر این بوده که یا خود پسر یا خانواده اش از دختر خواستگاری کنند، اما امروزه خواستگاری دختران از پسران امری به نسبت شایع شده است. در واقع این پیش قدمی یک نوع پیش قدمی سنت شکنانه است، زیرا در چنین شرایطی دختران نیز می توانند به پسران پیشنهاد ازدواج دهند- واقعیتی که حتی شنیدن آن از سوی بسیاری از افراد جامعه تا چند سال گذشته بیشتر یک توهم بوده است. برخی زنان و مردان این سبک از خواستگاری را نمی پسندیدند و معتقد بودند که در چنین شرایطی، پسر مغرور می شود و عزت و احترام دختر و خانواده اش زیر سوال می رود. از سویی زنان معتقد بودند که اگر پیشنهاد مرد منفی باشد، بسیار آسیب جدی به شخصیت و روان دختر وارد می شود. برخی از مصاحبه شوندگان بر خلقت انسان تاکید می کردند و معتقد بودند که هویت زن، هویت خواستنی بودن است و مرد همواره باید نیاز و تقاضای خودش را به او بیان کند. همچنین برخی از بستگان و خویشاوندان زن ممکن است ایشان را نسبت به انجام چنین اقدامی سرزنش کنند، زیرا از نظر آنها این اقدام بسیار ناپسند است:

«همسر من رو می دیدم که من رو دوست داره، ولی چیزی نمی گفت، خجالت می کشید، چون هم سنش کم تر از من بود و هم می دونست که من طلاق گرفته ام. فکر می کرد که شاید جواب رد بدم بهش. به خاطر همین خودم مطرح کردم اولین بار و ایشون هم از خداهش بود. اما خانواده مادری ام وقتی این موضوع رو فهمیدن، خیلی ناراحتن کردن که چرا من رفتم این پیشنهاد رو دادم» (آزیتا، ۳۲ ساله)

۴) شرایط ساختاری

الف) بازی اعداد صحیح نظام اجتماعی: اگرچه قاعدتاً اعداد صحیح تابعی از قواعد علم ریاضی هستند، اما این اعداد عمیقاً اجتماعی و تابع یک نسبیّت فرهنگی نیز می باشند. سن افراد صرفاً یک عدد نیست، بلکه این عدد در هر فرهنگی ارزش گذاری خاص خودش را دارد. مقولات «فشار اعداد ساخت یافته» و «سن و حاکمیت اقتدار زنانه و مردانه» مقولاتی هستند که در بحث ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج تاثیر گذار می باشند. فشار اعداد ساخت یافته در اینجا منظور فشاری است که از سوی عرف جامعه، خویشاوندان و خانواده بر روی کنشگران وارد می شود و آنان مجبور به واکنش می شوند. به دلیل چنین فشارهایی که در زمینه سن افراد به آنان وارد می شود، آنان مدام در یک اضطراب و تنش به سر ببرند و متأسفانه در چنین شرایطی تصمیم های احساسی می تواند غالب گردد. مصاحبه شوندگان بیان می کردند که این فشارها برای زنان بیشتر است که دو دلیل اصلی این فشارها در ارتباط با زیبایی و شرایط بارداری است. سن و حاکمیت اقتدار زنانه و مردانه از جمله مقولاتی است که مصاحبه شوندگان بر آن تاکید داشتند. برخی از زنان تمایل داشتند که با مردانی

ازدواج کنند که سن شان کمتر از آنان باشد، زیرا معتقد بودند که در چنین شرایطی دیگر مردان نمی توانند ما را مجبور کنند و یا بد رفتاری در خانواده داشته باشند. از سوی دیگر، مردان نیز به گونه ای به دنبال حاکمیت یافتن اقتدار مردانه بودند و ترجیح می دهند با خانم هایی ازدواج کنند که به لحاظ سنی پایین تر از آنان باشند. البته برخی از مردان بیان می کردند که تمایل دارند که با خانم هایی ازدواج کنند که سن شان، بیشتر از آنان باشد، زیرا معتقد بودند که دخترهای جوان امروزی توانایی اداره زندگی را ندارند و ترجیح می دهند که یا با هم سن خودشان یا بزرگ تر از سن خودشان ازدواج کنند:

«مادرم می گفت که دیگه بسه تا کی می خوای اینجوری بمونی، باید ازدواج کنی. مادرم چون دوستای من رو می شناخت که زیاد اونهارو تایید نمی کرد، فکر می کرد که من به گناه بیفتم و اینها، در کل یه آقا توی سن ۹۰ سالگی هم می تونه ازدواج کنه، ولی خانوم ها توی عرف و باور ما جا افتاده که می گن یکی از شرایط اصلی ازدواج خانوم ها زیبایی هست که با بالا رفتن سن تغییر می کنه. پس می گن هر چی توی سن پایین ازدواج کنن، به نفع خودشون هست» (بهرام، ۳۲ ساله)

ب) ساخت اجتماعی گاو پیشانی سفید: گاو پیشانی سفید در ساخت اجتماعی اشاره به انگ و برجسی دارد که در جامعه ساخت می یابد و بر پیشانی افراد حک و موجب می شود که عرصه بر آنها تنگ گردد و برای فرار از برجسب ها، اقداماتی انجام دهند که ممکن است با پشیمانی در آینده همراه گردد. این انگ ها و برجسب ها و به قول گافمن «داغ ننگ ها» در ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج تاثیر گذار است، زیرا داغ ننگ موجب بروز اختلالاتی می گردد و فرد را با اضطراب و هراس های گوناگونی رو به رو می کند که از سوی خانواده، خویشاوندان، دوستان و رسانه ساخت می یابد و در سطح جامعه آن برجسب ها حالتی تعمیم یافته به خود می گیرد:

«من و همسرم ۶ سالی بود که زیر یه سقف داشتیم با هم زندگی می کردیم، چیزی که شماها احتمالا ازدواج سفید بگید. این سبک زندگی رو خیلی دوست دارم چون من و همسرم، زن و شوهر نیستیم، بلکه دو تا دوستیم. توی این چند سال کلی حرف زدن پشت خانواد که دختره فلانی نمی دونی چیکار کرده، با چند نفره، فلان کرده، فلان می کنه. به خاطر این حرف ها الان چند سالی هست که توی فامیل هم حتی نمی رم. چون هر وقت من رو می بینن، می گن این همونه و لیبیل روم زدن. الان به خاطر پدر و مادرم فقط تصمیم گرفتیم که عقد نمایشی داشته باشیم، اما هنوز با هم دوستیم و عاشقانه همو دوست داریم» (فرشته، ۳۱ ساله)

پ) مجراهای راه عاشقی: برای طی کردن راه عاشقی، افراد با یک سری مجراهایی مواجه می شوند که به دلیل ساختاری بودن آن ها، نمی توانند آنها را نادیده بگیرند- چون این مجراها در جامعه ساخت یافته و واقعیت تصمیم به ازدواج نیز در چنین مجراهایی ساخت پیدا می کند. واقعیت های جامعه نشان داده که اگر دو نفر صرفا همدیگر را عاشقانه دوست داشته باشند، کافی نیست بلکه مقولاتی وجود دارد که در مسیر عاشقی مانع ایجاد می کند و گاهی حتی دختر و پسر با وجود اینکه همدیگر را دوست دارند، ولی تصمیم به قطع ارتباط می گیرند. شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی در شکل دادن به این مجراها موثرند. مقولات «منش و ذائقه فرهنگی - اجتماعی و طبقاتی» که اشاره به نحوه پوشش، تفکرات و عقاید دینی و مذهبی دارد؛ «گرایشات

قومیتی» که اشاره به باورهای قومیتی می‌کند و «فرصت‌های اقتصادی» که به امکانات و توانمندی‌های اقتصادی اشاره دارد، از جمله مقولاتی است که در ذیل مقوله فرعی مجراهای راه عاشقی قرار می‌گیرند: «من قبل از ازدواج الانم، مدتی با به آقایی در ارتباط بودم. خیلی آدم خوب و محترمی بود، اما به مشکل بزرگ وجود داشت، اینکه ما مراسم هامون رو مختلط برگزار نمی‌کردیم، اما اونا همه چیز شون قاطی بود. وقتی که به دختر دایی اش دست داد و ربوسی کردن، من دیگه تصمیم گرفتم که رابطه رو قطع کنم. چون به سری اعتقادات دارم که خط قرمزهای من هستش و برام اهمیت داره» (هانیه، ۲۵ ساله)

ت) بسته‌های حمایتی داخلی - خارجی: بسته‌های حمایتی داخلی - خارجی اشاره به حمایت‌هایی دارد که از سوی خانواده (داخلی) و دولت (خارجی) صورت می‌گیرد که با عنوان مقولات «خانواده حمایتگر» و «سیاست‌های حمایتی دولت» شناسایی می‌گردند. مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کردند که به شدت نیازمند این حمایت‌ها هستند، اما برخی از خانواده‌ها به ویژه در ارتباط با کمک‌های اقتصادی ناتوان بوده و نمی‌توانسته‌اند به فرزندشان کمک کنند، در نتیجه شرایط سخت‌تری برای آنان ایجاد شده است. مصاحبه‌شوندگان کمک‌های دولتی را یک وظیفه تلقی می‌کردند نه یک لطف و بیان می‌کردند که دولت باید برای تسهیل و هموار کردن شرایط ازدواج اقدام کند. آنها اعتقاد داشتند که دولت نتوانسته این اقدامات حمایتی را داشته باشد و حتی برخی بیان می‌کردند که دولت سعی کرده که در فرایند ساخت یافتن ازدواج اختلال ایجاد کند و به همین دلیل افراد تصمیم گرفته‌اند که ساخت‌های دیگری از ازدواج و تشکیل خانواده را تجربه کنند:

«دولت باید به جوونا کمک کنه که بتونن ازدواج کنن. هیچ کاری نکرده و مانع‌ها رو هم عمیق کرده و چند تا میخ هم تهش کوبیده که راه در روها رو ببندد. بازی با دلار و سکه و پول و جدیداً بورس، قشنگ کلید رو پیدا کردن. اینقدر شرایط اقتصادی بد شده که جوونا به خاطر اینکه ۵۰ میلیون تومن رو بگیرن ازدواج صوری می‌کنن» (مسعود، ۲۷ ساله)

ث) فرمولاسیون آداب و رسوم ازدواج: برای فهم زندگی، برخی فرمول‌ها و معادلات شکل گرفته است. آداب و رسوم ازدواج یکی از فرمول‌های است که در هر فرهنگی ضوابط خاص خود را داراست، اما فرم و محتوای آن می‌تواند گوناگون باشد. قاعده‌مند کردن و پیروی از ضوابط در امر ازدواج می‌تواند پسندیده باشد که با عنوان مقوله «پیروی از سنت حسنه» شناسایی می‌گردد، اما آنچه که به ویژه در دهه‌های اخیر امری ناپسند قلمداد شده، قواعد و فرمولاسیون‌های دست و پاگیری است که آداب و رسوم ازدواج را به عرصه‌ای برای رقابت، خودنمایی و چشم و هم‌چشمی بدل کرده است. رسانه‌ها نیز متأسفانه نقش منفی‌ای را ایفا نموده‌اند و شاهد خللی در ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج هستیم. جوانی که تصمیم به ازدواج می‌گیرد، باید مراحل گوناگونی را طی کند و در هر مرحله هزینه‌های زیادی را تقبل کند و از آنجا که از عهده‌آن بر نمی‌آید، به همین دلیل با مشکلاتی مواجه می‌شود. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که اگر این آداب و رسوم‌ها را حذف کنیم، بسیاری از مشکلات جوانان برطرف می‌شود، زیرا یکی از جدی‌ترین مانع بر سر راه زندگی آنان است: «توی جامعه ما ازدواج کردن خیلی سخته. باید همش بخری و ببری و پیچیدش می‌کنن و به نظرم این کار اصلاً جالب نیست و اگه ساده‌تر برگزار بشه خیلی بهتره. مثلاً سر اینکه مهریه چند تا باشه ما کلی ناراحتی

داشتیم و خانواده هامون به اختلاف خورده بودن. واقعا اگه همه این رسم های الکی که فقط داره فشار می یاره رو حذف کنیم، هیچ اتفاقی نمی افته، فقط باعث می شه که زندگی ها درست بشه» (پژمان، ۲۷ ساله)

۵) راهبرد

الف) جشن ازدواج بدون جشن: آمارهای دفاتر ازدواج نشان می دهد نسبت ازدواج پسران جوان با زنان مطلقه نسبت به دهه های گذشته بیشتر شده است. البته خانواده ها با این واقعیت به مثابه یک مسئله نگاه می کنند و حاضر به پذیرش این نیستند که فرزندان با یک فرد مطلقه ازدواج کند. بخشی از این نارضایتی به دلیل فشار خویشاوندان دور و نزدیک است و اینکه خانواده احساس شرمساری می کند از اینکه بگوید پسر مجرد من با یک خانم مطلقه قصد ازدواج دارد. در اکثر مواقع خانواده ها با این موضوع برخورد قاطعی دارند و حاضر نمی شوند که در ساخت واقعیت اجتماعی تصمیم به ازدواج فرزندان قدمی پیش گذارند. به همین دلیل وقتی دختر و پسر با چنین موانعی رو به رو می شوند، سعی می کنند که از طریق ساخت دیگری زندگی شان را آغاز کنند:

«هدف ما زندگی کردن بود، نه اینکه خانواده ها باید این رو بخرن، این بیاد اون کار رو کنه، نمی دونم کارت چاپ کنیم و اینها، اصلا کلا یه شو و نمایشه بدردنخوره که فقط وقت و انرژی ات رو می گیره و به هیچ دردی هم نمی خوره. بابا من می خوام زندگی کنم نه بازی. ۶ سال بدون هیچ جشنی و مراسمی و هیچی رفتیم زندگی مون رو از صفر شروع کردیم» (فرشته، ۳۱ ساله)

ب) سیاست نور بالای عشق: نور بالا دو برابر نور پایین در خودرو فاصله رو به روی شما را روشن می کند. از سویی یکی از کاربردهای نور بالا زدن، هشدار دادنی است که کوتاه ولی بسیار دقیق و هوشیار کننده است. در ارتباط با ازدواج نیز ما شاهد چنین نور بالا زدن هایی هستیم که هم از سوی دخترها و هم پسرها دیده می شود و سعی می کنند که به گونه ای غیر مستقیم ابراز عشق کنند، اما به صورت مستقیم این اقدام را انجام نمی دهند. در این سیاست که بیشتر از سوی خانم ها پیگیری می شود، لبخند زدن، کلمات کلیدی مانند اینکه «نظرتان در مورد من چیست؟ و غیره سعی می کنند که به طرف مقابل بفهمانند که نسبت به ایشان علاقه دارند. بسیاری از زنان بر این عقیده بودند که این سیاست موجب می شود که مردان علاقه شان بیشتر شود. این نگرش برآمده از ارزش ها و فرهنگ جامعه است. همانگونه که بیان شد، در امر خواستگاری در جامعه ما، اینگونه تلقی می شود که مرد باید به خواستگاری زن بیاید و زن نباید به صورت مستقیم عشق خودش را قبل از اینکه مرد ابراز کرده باشد، بیان کند:

«من همسر من رو از همون اول که دیدمش دوستش داشتم، ولی به صورت مستقیم نرفتم بگم وای چقدر تو خوبی، می میرم برات، فدات بشم، نه. خیلی غیر مستقیم و اصولی می رفتم جلو و به خاطر همین ایشون بیشتر جذب من شده بود. هر چقدر بیشتر بی محلی می کردم، بیشتر به سمت من می اومد» (آیدا، ۲۹ ساله)

پ) مهریه تساوی حقوق عقدنامه: یکی از راهبردهای که زنان برای اخذ تساوی حقوق به کار می گیرند، بخشش مهریه و کسب مهریه تساوی حقوق در عقدنامه است. بسیاری از مردان حاضر نیستند که شروطی از قبیل حق طلاق، نصف شدن دارایی مشترک، حضانت، سفر، کار و غیره را بپذیرند، اما زمانی که زنان مهریه

خودشان را می بخشند، مردان نیز این شروط را می پذیرند. بر اساس اعتقاد برخی از زنان، جامعه ما از یک نظام مردسالاری برخوردار است که بیشتر سعی می کند از مردان حمایت و دفاع کند و به گونه ای قوانین مردانه تأییدی بر این نگرش است؛ اما معتقدند که می توان با اخذ حقوق برابر، در مقابل این نظام مردسالار ایستاد و از این طریق به یک آرامش و امنیت خاطر رسید. در این باره معمولاً خانواده پسر مخالفت می کند و نگرانی هایی در این بین ایجاد می شود:

«وقتی این همه طلاق رو می بینم، ما انسانیم، الان من یک جور فکر می کنم اما معلوم نیست که چند سال دیگه چجوری فکر می کنم. پس باید به فکر باشم که به هر دلیلی نتونستم با همسرم زندگی کنم، بتونم حداقل راحت طلاق بگیرم، نه اینکه ۴ سال پشت در دادگاه باشم که تازه آیا بتونم طلاق بگیرم یا نه» (سپیده، ۲۶ ساله) (ت) مواجهه دیپلماتیکی با خانواده همسر: زمانی که دختر و پسر با هم تنها هستند یکی از بحث های رایج آنها این است که چرا مادر و پدر و یا خواهر و برادرت چنین رفتاری داشت؟ برخی از مصاحبه شوندگان معتقد بودند که از برخی از رفتارهای خانواده همسرشان ناراحت می شوند، اما از آنجا که همسرشان را دوست دارند و تمایل دارند که با هم ازدواج کنند و با مشکلی مواجه نشوند، به همین دلیل مواجهه دیپلماتیکی با خانواده همسر را پیش می گیرند:

«من با خانواده همسرم زیاد رابطه خوبی نداشتم قبل از اینکه دیگه عقد کنیم، البته الان هم زیاد رابطمون خوب نیست چون مدام دخالت می کردن و نمی گذاشتن خودمون برای زندگی مون تصمیم بگیریم. اما هر وقت با هم هستیم، من سیاست به خرج می دم و ناراحتی خودم رو نشون نمی دم و سعی می کنم همسرم رو جلو بفرستم و به گونه ای اونا رو متوجه کنه که ما اون کارا رو مثلاً دوست نداریم انجام بدیم» (نگین، ۲۴ ساله)

۶) پیامدها

الف) زیر سقف پشیمانی «بله»: یکی از پیامدهای ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج، احساس حسرت و پشیمانی از آن تصمیم است که گاهی این حس قبل از جلسه عقد، در حین آن و برخی اوقات پس از آن ایجاد می شود و این حس فشار روانی شدیدی به همراه دارد. در چنین وضعیتی فرد تمایل زیادی به ادامه رابطه ندارد، اما علل و عوامل اجتماعی گوناگونی وجود دارد که نمی تواند کاری جز ادامه رابطه داشته باشد و ضرب المثل «سوختن و ساختن در زندگی مشترک» به نوعی در اینجا معنی پیدا می کند. اما گاهی اوقات این حس پشیمانی در مقوله ای با عنوان «حس عذاب وجدان فردی» قرار می گیرد. در این مقوله فرد احساس می کند که نتوانسته است رفاه لازم را برای همسرش فراهم کند و از این بابت ناراحت است و خودش را مدام نصیحت می کند:

«من قبل از ازدواج خیلی ارتباط داشتم هم با دوستای دختر و هم دوستای پسر، ولی بعد از اینکه ازدواج کردم خیلی محدود شدم، گوشه گیر و تنها شدم و دیگه با اونا رابطه ای ندارم. شوهرم خیلی حساسه. روزهای اول آگه به شماره پسر توی گوشیم می دید، باید کلی جر و بحث می کردیم که این کیسه، من هم می گم این همکاری و ارتباط ما کاریه. سر این موضوعات، ما خیلی درگیری داریم» (نگین، ۲۴ ساله)

ب) چالش ها و فرصت های فراروی عصر جدید: وقتی دو نفر با یکدیگر ازدواج می کنند، در زندگی فردی

و اجتماعی آنان تغییراتی ایجاد می‌گردد و به مثابه عصر جدیدی برای آنان شناخته می‌شود. عصری که به نوبه خود با پیامدهایی همراه است و تغییرات آن تاثیری شگرف بر زندگی انسان ایجاد می‌کند. در ارتباط با فرصت‌ها می‌توان به مقولاتی چون کامل شدن ایمان، داشتن همفکر، صبور شدن، استقلال در تصمیم‌گیری و سبک زندگی، تعهد یافتن، مسئولیت پذیر شدن، خروج از قالب درون‌گرایی، شناخت نقاط ضعف و قوت، صمیمی شدن روابط با خوهران و برادران، رسیدن به خودباوری و رسیدن به احساس آرامش اشاره داشت. اما باید به چالش‌های فراروی این عصر جدید نیز توجه کرد؛ مقولاتی چون: دور شدن از پیشرفت شغلی - تحصیلی، شکستن غرور، تشدید اضطراب و تنش، محدود شدن روابط و فعالیت‌ها و اختلافات، کمرنگ شدن نقش خوهران و برادران در زندگی و درگیری‌های بین دو خانواده که مصاحبه‌شوندگان به بیان این چالش‌ها و فرصت‌ها پرداختند:

«تا قبل از اینکه ازدواج کنم خیلی رابطه خوبی من با داداشم و خواهرم نداشتم و بیشتر با هم مشکل داشتیم چون اصلا طرز فکرمون، رفتارمون و عقایدمون کاملا متفاوت بود. اونا هم الان متاهلن. ولی عجیبه از زمانی که من هم متاهل شدم رابطه‌مون خیلی خوب شده و کمکی اگه توی زندگی بخوایم، به هم کمک می‌کنیم و الان اون حس همراهی خانواده رو خیلی بیشتر احساس می‌کنم» (آریا، ۲۷ ساله)

ب) تعمیم شکست و موفقیت در اذهان عمومی: مصاحبه‌شوندگان شکست‌ها و موفقیت‌های خود را در زندگی به گونه‌ای در ارتباط با ویژگی‌های ساخت اجتماعی واقعیت ازدواج می‌دیدند و تجربیات شان را تعمیم می‌دادند. اگر از زندگی خودشان احساس رضایت داشته باشند، به دیگران نیز توصیه می‌کنند که حتما ازدواج کنند و برای ساخت ازدواج جایگاه ویژه‌ای قائل می‌شوند. در مقابل، افرادی قرار می‌گیرند که از زندگی خودشان احساس رضایت ندارند و به این ترتیب برای ساخت ازدواج ارزش و جایگاهی قائل نیستند و به دیگران توصیه می‌کنند که وارد چنین ساخت‌هایی نشوند. در چنین صورتی افراد مجرد دیگر تمایلی به ازدواج نخواهند داشت و یا اگر وارد چنین عرصه‌ای شوند، با شک و تردید جلو می‌روند. زوجی که از ساخت همباشی به سمت عقد رسمی قدم برداشته بودند و زوجی که زن مطلقه و مرد مجرد بودند، به دلیل اینکه از زندگی شان رضایت بیشتری داشتند، دیگران را تشویق می‌کردند که آنان نیز از این طریق با یکدیگر ازدواج کنند:

«ما واقعا خوشبختیم. من به هر کدوم از دوستانم رابطه‌مون رو گفتم و بهشون می‌گم که اینجوری زندگی تون رو شروع کنید بهتره و باعث می‌شه که زمانی که تصمیم گرفتید که برید محضر عقد کنید، دیگه مشکلی نداشته باشین و زندگی تون مثل همان دوران دوستی تون ادامه پیدا کنه» (فرشته، ۳۱ ساله)

ت) محاکمه ناقضان نظام عرفی و قانونی: پیروی نکردن از قواعد عرفی و قانونی برابر است با محاکمه. این محاکمه گاهی از طریق نهادهای رسمی و قانونی صورت می‌گیرد و گاهی از طریق قواعد عرفی محاکمه صورت می‌پذیرد و اجراکنندگان آن خانواده، خویشاوندان و غیره می‌باشند که با عنوان گروه‌های اولیه و ثانویه شناخته می‌شوند. همانگونه که در مقولات گوناگون اشاره کردیم، این گروه‌ها از قدرت زیادی برخوردار هستند و می‌توانند با فشارهایی که می‌آورند، نگرش و تصمیم افراد را تحت تاثیر قرار دهند. این محاکمه‌ها به هیچ عنوان امری سطحی نیستند و کاملا بر روی آینده افراد تاثیر می‌گذارند حتی موجب می‌شود که افراد نتوانند به

رابطه شان ادامه دهند:

«چون هر دو خانواده ناراحت بودن، هیچ جهیزیه ای ندادن، یه مراسم ساده عقد توی اتاق خودم بدون هیچ کادویی و کلا هیچی. احساس می کنم که دارن انتقام می گیرن و الان ما چون هیچی نداریم، احساس عشقمون هم کم رنگ شده و گاهی اوقات حتی به فکر طلاق می افتم» (مهناز، ۲۲ ساله)



شکل ۱: مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد تا نشان داده شود که ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج در میان جوانان شهر تهران چگونه صورت بندی می گردد. از این رو، «چالش سیاست تقابل در میدان بازی نمایش» به عنوان پدیده مرکزی انتخاب گردید که در قالب چهار سنخ نظاره گری فعال در میدان، تسلیم و مبهوت در میدان، بازی

آزاد تایید شده در میدان و بازی آزاد محدود شده در میدان که در ارتباط با دیگر مقولات فرعی پژوهش می باشد، سنخ شناسی و تحلیل شد. مصاحبه شوندگان بازی آزاد تایید شده در میدان را به عنوان بهترین سنخ از تصمیم به ازدواج و انتخاب همسر در نظر گرفتند، زیرا در این سنخ افراد از آزادی عمل بیشتری برخوردار هستند و می تواند موجبات رضایت دختر و پسر و خانواده ها را فراهم نماید. مظاهری و دیگران (۱۳۸۸) در بررسی هایشان پی بردند که بیش از ۸۹ درصد از زوج هایی که از زندگی رضایت دارند از طریق یکی از دو سبک ازدواج با رضایت خود و خانواده و ازدواج با موافقت خانواده ها ازدواج کرده اند. همچنین بیش از ۴۸ درصد زوج های متقاضی طلاق یکی از دو سبک ازدواج اجبار آمیز و ازدواج برخلاف رضایت خانواده ها را انتخاب کرده اند. از آنجا که تصمیم به ازدواج امری اجتماعی است، یافته های این پژوهش نیز حکایت از آن دارد که در پشت تصمیمات ما، ساخت های اجتماعی حضور دارند و کاملاً بر روی تصمیمات ما اثر گذار می باشند. به عنوان مثال، تجربیات صحنه گردانان اجتماعی شامل خانواده، دوستان و مراکز آموزشی در ساخت یافتن واقعیت تصمیم به ازدواج از اهمیت بی شماری برخوردارند.

ویس (۲۰۱۴) و یوفهولز (۲۰۱۲) معتقدند که نقش پدر و مادر، خواهران و برادران و دوستان در شکل گیری نگرش به ازدواج از اهمیت زیادی برخوردار است و یوفهولز (۲۰۱۲) بیان می کند که بسیاری از افراد عقاید متفاوتی در مورد رابطهٔ رمانتیک داشتن و ازدواج دارند که این عقاید از منابع متفاوتی چون تجربیات رمانتیک قبلی، ریشهٔ خانوادگی، جنسیت و کلیشه های فرهنگی بزرگتر برخاسته است. عاشق شدن یک امر انفرادی صرف نیست، بلکه کاملاً تابع امر اجتماعی است و افراد با معراها و کانال های راه عاشقی رو به رو می شوند که منش و ذائقه فرهنگی - اجتماعی و طبقاتی، گرایشات قومی و مذهب به شدت بر آن تجربه اثر می گذارد. یافته ها نشان می دهد که ما با چهار ضلعی گزینش رابطه رو به رو می شویم: عشق اخلاق مدارانه، عشق مبتنی بر محاسبهٔ عقلانی، عشق مبادله گرایانه و عشق هوس انگیز. هیچ یک از این اشکال به صورت ناب و خالص در عالم واقعیت وجود ندارد و گاهی شاهد ترکیبی از این اضلاع هستیم که با عنوان «عشق تمامیت خواه» آن را می شناسیم. در زمان های گوناگون با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و جهان انواعی از عشق می تواند پر رنگ تر شود و انواع دیگر کم رنگ تر و تصمیم به ازدواج دختران و پسران به شدت متأثر از چنین شرایطی می باشد. دختران متاسفانه با عشق مبادله گرایانه در جامعه مواجه می شوند و البته ساخت یافتن چنین خانواده هایی برابر با مواجه شدن با آسیب های گوناگون در آیندهٔ نزدیک است. یکی از معیارهای بسیار مهم در انتخاب همسر، جذابیت جنسی است که پسران بیشتر بر آن تاکید دارند. می توان گفت که اینک شاهد گذار از ارزش هایی چون با حیا بودن و اخلاق به جذابیت جنسی هستیم و این نوع تقلیل گرایی جنسی است. شکل گیری چنین عشقی بر مبانی چنین معیاری خود می تواند زمینه ساز مشکلات آینده باشد. موراکو و کوران (۲۰۱۲) یکی از دلایل تاخیر ازدواج برای جوانان و داشتن روابط رمانتیک را ناتوانی در فراهم کردن امکانات اقتصادی می دانند که در معنا یافتن ازدواج تاثیر می گذارد. با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی شامل تورم و بیکاری بسیاری از افراد که نمی توانند هزینه های زندگی را تامین کنند، تصمیم می گیرند که ازدواج شرعی و قانونی را کنار بگذارند و باز هم فرصتی برای عرض اندام ساخت های دیگر فراهم می شود.

از سوی دیگر در جامعه ما برای آشنایی دختران و پسران فضایی طراحی نشده است. به همین دلیل باید منتظر عواقب دوستی های غیر اصولی در شبکه های اجتماعی مجازی تلگرام و اینستاگرام و غیره باشیم که دختران و پسران در آنجا سعی می کنند نیازهای جنسی خودشان را بر طرف کنند. یکی دیگر از فشارهایی که بر دختران و پسران تاثیر می گذارد، مقوله بازی اعداد صحیح نظام اجتماعی است؛ یعنی مدام بر روی سن تاکید و گفته می شود که دختر نباید سن ازدواج اش بگذرد. به همین دلیل دختران دائما با این ترس مواجه اند و برخی از آنان سعی می کنند که با مردی کوچکتر از خود ازدواج کنند تا بتوانند به گونه ای قدرت برابری را در خانه و زندگی داشته باشند. آنها جامعه را مردسالار می دانند که یکی از راه های خروج از آن، برابری از طریق سن است. یکی دیگر از راهبردهای دختران در ازدواج، مقوله مهریه تساوی عقد نامه است. از این طریق دختران حقوق برابری در زمینه طلاق، دارایی، سفر، کار و حضانت فرزند و غیره به دست می آورند و در قبال آن مهریه خودشان را می بخشند. یکی دیگر از چالش های مهم در تصمیم به ازدواج، «تاینانیکی شدن تصمیم به ازدواج» است که موجب می گردد دختر و پسر به دلیل فشار ساختی تصمیم خود را عجولانه اتخاذ کنند و نتوانند با ویژگی های شخصیتی و رفتاری یکدیگر به خوبی آشنا گردند. در ساخت یافتن واقعیت تصمیم به ازدواج، دختران به نسبت پسران با محدودیت ها، تنش ها و اضطراب های متعددی در میدان بازی نمایش مواجه اند و در تصمیم به ازدواج شاهد چالش و کشاکشی بین دو سویه ای بزرگ هستیم که گرچه دختران در نسبت با گذشته از عاملیت بیشتری برخوردار شده اند، اما این عاملیت برای آنان بدون هزینه نبوده و با پیامدهای زیادی رو به رو شده اند. به بیان برگر و لوکمان و آلفرد شووتس، نیاکان ما ساخت هایی در جامعه ایجاد کرده اند که در واقع اشاره به فرمولاسیون آداب و رسوم ازدواج و به طور کلی مقولات فرعی این پژوهش دارد. فشارهای ساخت اجتماعی که در برخی از مواقع بدون منطق اند سبب می شود که افراد تصمیم بگیرند که به سمت دیگر اشکال ازدواج و خانواده از جمله همباشی حرکت کنند- برخی از مصاحبه شوندگان بیان می کردند که دوستان و آشنایان شان در حال تجربه چنین ساختی هستند. یافته ها نشان می دهد که هر چه دخالت ها و فشارهای اجتماعی نا به جا بر روی دختران و پسران کاهش یابد و دختران و پسران به دور از حرف ها و داغ ننگ های جامعه، خویشاوندان و برخی از آداب و رسوم بتوانند یکدیگر را بشناسند، می توان انتظار شکل گیری زندگی های موفق تری را داشت. فشارهایی که بر روی دختران و پسران در امر تصمیم به ازدواج است فقط موجبات ایجاد ناراحتی و کمرنگ کردن عشق در بین آنان می گردد و باید در این زمینه بازنگری شود. باید توجه داشت که منظور از آداب و رسوم های نا به جا، حذف و کنار گذاشتن تمامی آداب و رسوم رایج نیست، بلکه منظور احیای آداب و رسوم به جا و پسندیده و کنار گذاشتن آداب و رسوم نا به جایی است که فقط نشانه تجمل پرستی و چشم و همچشمی هستند. تعصبات و تفکرات کورکورانه و بی منطق در هر زمینه ای می تواند آسیب زا و غیر قابل جبران باشد که متاسفانه در ساخت اجتماعی واقعیت تصمیم به ازدواج نیز مشاهده می شوند. یادآوری می گردد که تاثیر ساخت ها بر عاملیت صرفا نمی تواند منفی باشد، بلکه گاهی در زمینه تاثیر عاملیت بر ساخت ها کاملا مثبت است.

در پایان می توان گفت که لزوم برنامه ریزی و سیاست گذاری برای حمایت از جوانان و ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در آداب و رسوم ازدواج کاملا محسوس است.

منابع

- آقاسی، محمد و فلاح مین باشی، فاطمه. (۱۳۹۴). «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده». ویژه نامه پژوهش نامه زنان (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). سال ششم، شماره اول، صص ۱-۲۱.
- آقایی، عاطفه و کرمی قهی، محمدمتقی. (۱۳۹۸). «روابط زناشویی از منظر زنان متأهل طبقه متوسط شهر تهران در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶». فصلنامه علوم اجتماعی (علمی) دانشگاه علامه طباطبائی. سال ۲۶، شماره ۸۴، صص ۸۹-۱۱۸.
- اصغرپور ماسوله، احمدرضا؛ کرمانی، مهدی و برادران کاشانی، زهرا. (۱۳۹۶). «پدیدارشناسی همسرگزینی دختران جوان در شهر مشهد». زن در فرهنگ و هنر. دوره ۹، شماره ۱، صص ۴۹-۷۱.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۹۱). مدیریت عمومی. تهران: نشر نی
- امینی، یوسف؛ محمودی، مصطفی و امینی، محمد. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی نگرش دو نسل نسبت به تشکیل خانواده (مطالعه موردی: پسران ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر شوشتر و پدراشان)». فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، سال ۱۲، شماره ۱، پیاپی ۴۰، صص ۲۹۵-۳۲۲.
- پر، ویوین. (۱۳۹۴). برساخت گرایی اجتماعی. اشکان صالحی. تهران: نشر نی
- برگر، پیتر. (۱۳۹۶). دعوت به جامعه شناسی: نگاهی انسان گرایانه. رضا فاضل. تهران: نشر ثالث
- برگر، پیتر و لوکمان، توماس. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله ای در جامعه شناسی شناخت). فریرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- برناردز، جان. (۱۳۹۶). درآمدی بر مطالعات خانواده. حسین قاضیان تهران: نشر نی
- تافلر، الوین. (۱۳۸۸). موج سوم. شهیندخت خوارزمی. تهران: انتشارات فرهنگ نشر نو
- دانایی فرد، حسن و جوانعلی آذر، مرتضی. (۱۳۹۸). خط مشی گذاری عمومی و ساخت اجتماعی واقعیت. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام
- کوهستانی، مریم. (۱۳۹۶). «نگرش دختران پیرامون فرهنگ خواستگاری به شیوه سنتی و جدید (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده رفاه)». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده غیر دولتی - غیر انتفاعی رفاه، رشته علوم اجتماعی، گرایش مطالعات فرهنگی
- گلاسر، ویلیام. (۱۳۸۴). نظریه انتخاب (روانشناسی نوین آزادی شخصی). مهرداد فیروزبخت. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- ساروخانی، باقر و مقربیان، مریم. (۱۳۹۰). «تجددگرایی و همسرگزینی (تحقیقی مقایسه ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال ۱۲، شماره ۱۵، صص ۴۳-۷۵.
- سلیمانی بشلی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «مقایسه معیارهای همسرگزینی در بین افراد متأهل و جدا شده و مهمترین عوامل موثر بر آن». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه جامعه شناسی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران.
- صفایی، مهشید. (۱۳۹۰). «جوانان و عشق؛ تاثیر زمینه اجتماعی در مفهوم پردازی رابطه عاشقانه». مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان. سال ۹، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۴.
- غیاثوند، احمد و حاجیلو، زینب. (۱۳۹۹). «تجدد زیستی جوانان: پانتومیم دختران مجرد در ایستار ازدواج». فصلنامه علوم اجتماعی (علمی) دانشگاه علامه طباطبائی. سال ۲۶، شماره ۸۸، صص ۱۷۹-۲۲۰.
- مارچ، جیمز. (۱۳۹۶). درآمدی بر علم تصمیم گیری (تصمیم گیری چگونه رخ می دهد). ابراهیم افشار. تهران: نشر نی
- مختاری، زهرا؛ کیانپور، مسعود و آقابابایی، احسان. (۱۳۹۵). «مطالعه پدیدارشناسانه عشق ازدواجی در دوران آشنایی (تجربه زیسته کنش گران تازه ازدواج کرده شهر اصفهان از آشنایی تا لحظه عقد)». زن در فرهنگ و هنر. دوره ۸، شماره

۴، صص ۵۱۷-۵۳۸.

- مردی، احمد؛ مهینی، مینو؛ شایگان مهر، عارف و اصل رحیمی، وهاب. (۱۳۹۸). «بررسی میزان شیوع آسیب های اجتماعی با تاکید بر ازدواج زودرس و پیامدهای آن در استان آذربایجان شرقی». دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی. صص ۱-۱۳.
- مظاهری، علی؛ صادقی، منصوره السادات؛ نصرآبادی، ام لیلی؛ انصاری نژاد، فاطمه و عباسی، مریم. (۱۳۸۸). «رابطه سبک های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج». راهبرد فرهنگ. شماره ۵، صص ۵۵-۷۱.
- ملک عسگر، سعاده؛ مظاهری، محمد علی و صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۶). «رابطه میان سطوح متفاوت روابط پیش از ازدواج و نگرش والدین به آن با میزان سازگاری زناشویی زوجین». راهبرد فرهنگ. شماره ۳۸، صص ۱۰۱-۱۲۵.
- نوکس، دیوید و اسکاج، کارولین. (۱۳۹۶). مقدمه ای بر ازدواج و خانواده (راهنمای جامع و کاربردی). کیومرث فرحبخش، زهرا جهان بخشی، یاسر آزاد فارسانی، سهیلا پزشک آزاد، مهتاب چنگانی، مهدی خان آبادی، معصومه زیبایی نژاد، علی طالعی، سیده مریم فرشادان، آمنه فهیمی فر، مهرنوش مگری والا. جلد اول، تهران: نشر آوای نور
- Ahmed, N., Kashem, A. (2015). **“Exploring the Socio -Cultural Context of Dowry Practice in Bangladesh”**. *Sociology and Anthropology*, 3(3): 171-178.
- Ajzen, I. (1991). **“The Theory of Planned Behavior”**. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, No.50: 179-211.
- Ajzen, I. (1988). **Attitudes, Personality, and Behavior**. Chicago: Dorsey press
- Akhtar, N., Khan, A., Pervez, A., Batool, I. (2017). **“Interpersonal Problems in Arranged and Love marriages”**. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, Vol.15, No.2: 18-22.
- Bejanyan, K. (2015). **“The Influence of Familial Involvement and Cultural Values on Mate Preferences and Romantic Relationships: What Do Today’s Emerging Adults in India and America Want?”** Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy College of Health and Life Sciences, Major professor: Tara Marshall PhD.: Brunel University.
- Blankinship, T. T. (2008). **“Characteristic Preferences in Mate Selection among College students: A Comparison Study Spanning the Late Twentieth Century into the Early Twenty-First Century”**. A Thesis Submitted to the Graduate Faculty in Partial fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in Family and Child Studies, Major professor: Glee Bertram PhD.: Edmond, Oklahoma.
- Conley, J. D. (2007). **“Preferences in Mate Selection for College Students: A 10 Year Follow-Up”**. A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the University of Georgia in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science, Major professor: Leslie Gordon Simons PhD.: Athens, Georgia.
- Darisman, A., Hilman, D., Homan, K. D. (2016). **“Social Construction Theory of Reality: A case Study of Anti Anorexia Campaign Poster”**. *Humaniora*, Vol.7, No.2: 149-153.

- Dressler, M. (2018). **“The Social Construction of Reality (1966) Revisited: Epistemology and Theorizing in the Study of Religion”**. Method and Theory in the Study of Religion: 1-32.
- Fresko - Rolfo, B. (2018). **“Forced marriage in Europe”**. Committee on Equality and Non-Discrimination: 1-16.
- Gitipasand, Z., Farahbakhsh, K., Smaeili, M., Zokaei, M. S. (2014). **“Layers of Meaning among Iranian Couples with High Marital Satisfaction”**. Reef Resources Assessment and Management Technical Paper, vol.40: 179-185.
- Hemesath, C. (2016). **“Falling out of Romantic Love: A Phenomenological Study of the Meaning of Love in Marriage”**. A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, Major: Human Development and Family Studies, Major Professor: Tera Rose Jordan, Iowa State University.
- Leeuw, J. (2015). **“Making Marriages Work: Common Factors of Marriage Theories”**. Honors theses, 1-24
- Matlabi, H., Rasouli, A., Behtash, H.H., Dashtjerd, f., Khazemi, B. (2013). **“Factors Responsible for Early and Forced Marriage in Iran”**. Science Journal of Public Health, 1(5): 227-229
- Weiss, M. J. (2014). **“Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages”**. A thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in family, Consumer, and Human Development, Major Professor: Linda Skogrand PhD., Logan, Utah (Utah State University).
- Muraco, J.A., Curran, M. (2012). **“Associations Between Marital Meaning and Reasons to Delay Marriage for Young Adults in Romantic Relationships”**. Marriage & Family Review, 48,3: 227-247
- Regan, P. C. (2008). **“The Mating Game: A Primer on Love, Sex and Marriage”**. Sage Publications, Inc; 2nd edition.
- Raymo, J. M., Park, H. (2020). **“Marriage Trends in Korea: Changing Composition of the Domestic Marriage Market and Growth in International Marriage”**. Demography, 57(1): 1-25.
- Ufholz, K. E. (2012). **“The Effect of Peers on Marital Beliefs and Expectations”**. Thesis Submitted to the College of Arts and Sciences of the University of Dayton (In Partial Fulfillment of the Requirements for Degree Master of Arts in Clinical Psychology), Faculty Advisor: Lee Dixon, PhD., Dayton, Ohio.
- Walter, K.V., et al. (2020). **“Sex differences in Mate Preferences across 45 Countries:**

A Large-Scale Replication". Psychological Science, 1-16.

- Weiss, J. M. (2014). "**Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages**". A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the degree of Master of Science in Family, Consumer, and Human Development, Major Professor: Linda Skogrand PhD., Logan, Utah (Utah State University).
- Yazdanpanah, M., Eslami, M., Nakhaee, N. (2014). "**Effectiveness of the Premarital Education Programme in Iran**". Hindawi Publishing Corporation, ISRN Public Health: 1-5.